



جمعه 5 دی 1393 / 3 ربیع الأول 1436 / 26 دسامبر 2014

شهید احمد ابراهیمی در سال ۱۳۴۰ش در خانواده‌ای متوسط و مذهبی در شهر نراق واقع در استان مرکزی دیده به جهان هستی گشود.

* 5 دی در دفاع مقدس

* شهادت شهید احمد ابراهیمی (1359ش)
اشاره:

شهید احمد ابراهیمی در سال ۱۳۴۰ش در خانواده‌ای متوسط و مذهبی در شهر نراق واقع در استان مرکزی دیده به جهان هستی گشود. در دوران تحصیل ابتدایی به دلیل آن که وضعیت مالی‌شان مناسب نبود، برای کار کردن به تهران رفت و شبانه به تحصیل خود ادامه داد. در اسفند سال ۱۳۵۶ش، پدرش در سن پنجاه سالگی فوت نمود و احمد، سرپرستی مادر و خواهرش را به عهده می‌گیرد و مجبور می‌شود مجدداً به زادگاهش بازگردد. هنوز انقلاب اسلامی به پیروزی نرسیده بود که احمد در میدان شهر دکه‌ای دائر و به شغل آب‌میوه‌فروشی مشغول گردید. در سال ۱۳۵۹ش و هم‌زمان با شروع جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، به خدمت مقدس سربازی اعزام شد و پس از پشت سر نهادن آموزش‌های مورد نیاز، در ارتش جمهوری اسلامی به خط مقدم در جبهه سرپل ذهاب از توابع استان کرمانشاه اعزام شد. احمد به همراه دیگر سربازان، در مصاف با نیروهای ارتش بعث عراق شجاعانه جنگیدند و سرانجام در تاریخ پنجم دی‌ماه سال ۱۳۵۹ هجری شمسی در جبهه سرپل ذهاب به شهادت رسید و پس از تشییع جنازه باشکوهی در امام‌زاده سلیمان به خاک سپرده شد. مادر فداکار شهید پس از شهادت فرزندش، دکه احمد را از سال ۱۳۶۰ش در اختیار بسیج قرار داد و بسیجیان نیز تا اواخر جنگ هشت ساله به مثابه یک پایگاه کوچک در آن به فعالیت فرهنگی و تبلیغاتی مشغول بودند. صدای مارش پیروزی عملیات رزمندگان اغلب از این دکه به سمع مردم شهیدپرور آن خطه می‌رسید.

* شهادت شهید محمد زاهدی (1365ش)
اشاره:

در یکی از روزهای آفتابی سال ۱۳۴۴ش، محمد در آغوش گرم خانواده‌ای مذهبی و کشاورز در رهنان استان اصفهان دیده به جهان هستی گشود: شهید محمد زاهدی. محمد، روزهای پرشور کودکی را در زیر سایه لطف پدر و دامان پرمهر مادر سپری کرد و با تعالیم دین هرچه بیش‌تر آشنا شد. تحصیلات خود را از دبستان نزدیک محل زندگی شروع کرد و تحصیل دوره راهنمایی وی مصادف بود با روزهای گرم و پراشتاب انقلاب، محمد نیز همراه سایر جوانان پرشور این مرز و بوم و به همراه یار و هم‌رزم دیرینه‌اش سردار شهید فریدون بختیاری، با پخش اعلامیه و شعارنویسی به موج خروشان ملت پیوستند. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، محمد مشتاقانه به بسیج مردمی شتافت. با شروع جنگ تحمیلی، روح بی‌قرار محمد او را به صف حق‌جویان مبارز و مدافع میهن اسلامی پیوند داد و در طول جنگ، بارها از ناحیه پا و چشم مجروح شد که نهایتاً بر اثر انفجار مین، یک چشم و یک پای خود را در راه اسلام هدیه کرد، اما این جانباز فداکار هرگز جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را تنها گذاشت و با وجود نقص عضو، در لشکر ۲۵ کربلا خدمت کرد. رشادت‌ها و دلوری‌های این سرباز راه حق سبب شد که به‌عنوان فرمانده گردان امام رضا در لشکر امام حسین (ع) انتخاب شود. محمد بیست و یک ساله، سرانجام در روز پنجم دی‌ماه سال ۱۳۶۵ هجری شمسی در منطقه ام‌الرصاص در حین عملیات کربلای ۴ از ناحیه سر هدف اصابت تیر تک‌تیراندازان دشمن ملعون بعثی قرار گرفت و این‌بار، تمام جان را تقدیم پروردگارش نمود و مشتاقانه به سوی ملکوت اعلی پرواز کرد. گلزار شهدای رهنان میزبان پیکر مطهر شهید محمد زاهدی، این شهید راه حق می‌باشد.

* 5 دی در گذر تاریخ

* زادروز رودکی از نخستین شاعران پارسی‌گوی (239ش)
اشاره:

ابوعبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم رودکی زاده اواسط قرن سوم هجری قمری از شاعران ایرانی دوره سامانی در سده چهارم هجری قمری است. او استاد شاعران آغاز قرن چهارم هجری قمری ایران است. رودکی به روایتی از کودکی نابینا بوده‌است و به روایتی بعدها کور شد. او در روستایی به نام بُنْج رودک (پنجکنت در تاجیکستان امروزی) در ناحیه رودک در نزدیکی نخشب و سمرقند به دنیا آمد. رودکی را نخستین شاعر بزرگ پارسی‌گوی و پدر شعر پارسی می‌دانند که به این خاطر است که تا پیش از وی کسی دیوان شعر نداشته‌است و این از نوشته‌های ایرانی عربی نویسنده عصر رودکی- ابوحاتم رازی مسجل می‌گردد. به عنوان پدر شعر کلاسیک فارسی رودکی از جایگاه ممتازی در جهان برخوردار است. اشعار غنایی و تعلیمی وی راه را بر بزرگان زیادی باز کرده‌است و از این رو همواره آیین‌های پاسداشت مختلفی برای این شاعر پارسی زبان برگزار می‌شود.

یکی از این آیین‌ها که در سال ۲۰۰۸ به میزبانی سازمان ملل متحد برگزار شد بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحد درباره شاعری رودکی در حضور جمع کثیری از سرشناسان علمی فرهنگی جهان، نمایندگان یونسکو و سفیران کشورهای مختلف گفت: «اشعار رودکی می‌تواند مبنای اتحاد جهانی قرار بگیرد چرا که رودکی شاعر خوبی‌ها و عدالت بود». یونسکو هر ساله از کشورهای عضو خود درخواست می‌کند تا بر هر مناسبتی نام بزرگان فرهنگ و ادب خود را ارائه دهند تا جهت بزرگداشت و برگزاری کنگره‌های مربوطه اقدام بعمل آید. همچنین در آذر ماه سال ۱۳۸۷ هجری شمسی، سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی با همکاری بنیاد فرهنگی رودکی و یونسکو، آیین بزرگداشتی برای رودکی در تهران با حضور شرکت کنندگان داخلی و خارجی ترتیب داده شد. بیشتر شرکت کنندگان خارجی از کشورهای هندوستان، افغانستان، تاجیکستان، فرانسه، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان بودند. در سال ۱۹۵۵ میلادی دولت جمهوری تاجیکستان به مناسبت هزار و صدمین سالگرد تولد رودکی مراسمی در این زمینه برپا نمود. از میان بزرگترین رودکی پژوهان می‌توان به براگینسکی، سیمنوف، صدرالدین عینی، سعید نفیسی، محمدعلی فروغی، محمد شکوروف و ریچارد فرای اشاره نمود.

* سالروز وقوع زلزله شدید بم (۱۳۸۲ش)

اشاره:

زمین‌لرزه بم، زمین‌لرزه‌ای بود به شدت ۶/۶ ریشتر که در ساعت ۵:۲۶ بامداد ۵ دی ۱۳۸۲ شهر بم و مناطق اطراف آن در شرق استان کرمان را لرزاند. در اثر این حادثه ۹۰ درصد از سازه‌های شهر بم به کلی تخریب شدند. ارگ بم که با ۲۵۰۰ سال قدمت بزرگترین سازه گلی جهان بود، به کلی ویران شد.

* درگذشت ایرج بسطامی، هنرمند شهیر (۱۳۸۲ش)

اشاره:

ایرج بسطامی در سال ۱۳۳۶ش در شهرستان بم در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمد. هریک از اعضای خانواده او، از جد پدری گرفته تا پدر بزرگ و پدر در زمینه خواندن آواز و نواختن سازهای مختلف تجربه داشتند. تولد و رشد ایرج در چنین خانواده‌ای به همراه استعداد ذاتی‌اش موجب گردید که او از پنج سالگی به خواندن آواز علاقه نشان دهد. این علاقه و پیگیری موجب شد که پدر بزرگ، به استعداد شگرف وی در زمینه فراگیری آواز پی برده و بارها به دیگران تأکید کند که: «او در آینده خواننده بزرگی خواهد شد». از این‌رو، پدر ایرج کمر همت بست تا این کودک مستعد را در مسیر صحیح آموزش قرار دهد و این‌گونه شد که ایرج، نخستین معلم آواز خویش را در خانه و در هیئت پدر یافت. وی در سنین نوجوانی مجذوب عموی بزرگوارش یدالله بسطامی بود که مردی مهربان و از نوازندگان چیره‌دست بم و معلم موسیقی بود. در همین ایام، گروهی با همکاری برادران بسطامی و با سرپرستی یدالله بسطامی تشکیل شد که در رادیو و تلویزیون آن زمان و اردوهای رامسر اجرای برنامه داشتند. پس از آن، ایرج با کمک زنده‌یاد حسین سالاری (از نوازندگان نام‌دار کرمانی)، به فراگیری آواز و ردیف‌های آوازی در تهران پرداخت. در آن زمان او علی‌رغم مشکلات راه و مسافت زیاد، هفته‌ای یک بار به عشق فراگیری آواز از بم به تهران می‌آمد تا این‌که اتفاقی در محله پامنار تهران اجاره کرد. در آن سال‌ها هیچ چیز ایرج را از ادامه تمرینات بازنمی‌داشت. مشکلات شخصی، تحولات اجتماعی و... هرگز لحظه‌ای در روند فراگیری این هنرمند عاشق خللی ایجاد نکرد. وی سپس نزد استاد مشکاتیان رفت و به فراگیری تلفیق شعر و موسیقی و ادامه ردیف‌های آوازی پرداخت که نخستین کاست بسطامی - تحت عنوان «افشاری مرکب» - محصول این آشنایی و همکاری است. ایرج بسطامی در سن ۴۰ سالگی به اوج فعالیت خود رسید و در طول ۱۴ سال فعالیت ارزشمند، ۱۱ کاست ماندگار به یادگار گذارد. او به دور از جنجال‌ها و هیاهوهای هنری در شهرستان بم، سرپرستی خانواده برادر مرحومش را به عهده گرفت که این همراهی و سرپرستی تا زمان مرگ ادامه داشت به گونه‌ای که تمام اعضاء این خانواده - به‌جز یکی از فرزندان برادر ایرج - همراه وی درگذشتند. ایرج بسطامی در تمام مدت اقامتش در بم، کلاس‌های آواز خویش را برای جوانان محروم و مستعد کویر در شهرهای بم و کرمان دایر می‌نمود تا این‌که در تاریخ پنجم دی‌ماه سال ۱۳۸۲ هجری شمسی طی فاجعه دردناک زلزله بم در سن چهل و شش سالگی دار فانی را وداع گفت.

* درگذشت رادی، نمایش نامه نویس بزرگ (۱۳۸۶ش)

اشاره:

اکبر رادی در روز دهم مهرماه ۱۳۱۸ش در رشت پا به عرصه وجود گذاشت. وی، فرزند سوم از یک خانواده شش نفره بود. نام پدرش حسن بود که با ۹ کلاس سواد، به زبان‌های فارسی و ترکی و فرانسوی و روسی تسلط داشت. حسن رادی به همراه برادرش کارخانه قندریزی داشت و سخت‌گرفتار معاملات بود که این موضوع، مجالی برای پرداختن به فرزندان نمی‌گذاشت. مادر اکبر، ام‌البین، زنی بی‌سواد اما با احساس، دانا و شایسته بود. رادی چند سال اول زندگی خود را در رفاه نسبی گذراند. وی، چهار سال اول دوران تحصیل را در دبستان عنصری سپری کرد اما در سال ۱۳۳۹ش به علت ورشکستگی پدرش به تهران آمدند و فقر به شدت آن روی خود را به رادی نوجوان نشان داد تا جایی که برای تهیه نیازهای اولیه خود دچار سختی فراوان بود. رادی، دو سال آخر ابتدایی را در دبستان صائب تهران گذراند و دوره متوسطه را در دبیرستان فرانسوی رازی به پایان رساند. وی که دانش‌آموخته رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران بود، تحصیل در دوره کارشناسی ارشد این رشته را نیمه‌کاره گذاشت و پس از طی دوره تربیت معلم در سال ۱۳۴۱ش، به شغل معلمی روی آورد. رادی، معلمی را از کلاس سوم دبستان مدرسه بامشاد و سپس ششم دبستان مدرسه شهرام در جنوب شهر تهران آغاز کرد و طی سی و دو سال، به تدریس ادبیات در سال چهارم

دبیرستان، ادبیات نمایشی انستیتو مربیان امور هنری، نمایشنامه‌نویسی مقطع کارشناسی دانشگاه تهران و نمایشنامه‌نویسی پیشرفته کارشناسی ارشد دانشگاه هنر پرداخت تا این‌که در سال ۱۳۷۳ش بازنشسته شد. در سال ۱۳۴۱ش، نمایشنامه «روزنه آبی» را با هزینه شخصی و در سال ۱۳۴۳ش نیز نمایشنامه «افول» را با سرمایه گروه ادبی طرفه منتشر کرد. رادی در سال ۱۳۴۴ش با یکی از هم‌رشته‌ای‌هایش به‌نام حمیده عنقا ازدواج کرد که حاصل این ازدواج، دو پسر به نام‌های آریا و آرش می‌باشد. شاید مهم‌ترین اتفاق زندگی هنری رادی، آشنایی او با شاهین سرکسیان در سال ۱۳۳۹ش بود. سرکسیان بعد از خواندن «روزنه آبی» و تحسین فراوان رادی جوان، تصمیم به اجرای آن گرفت و مصرانه از رادی خواست که جز نمایشنامه چیز دیگری ننویسد. از آثار رادی می‌توان به داستان‌های بلند «افسانه دریا» و «مسخره» ۱۳۳۶، نمایشنامه «از دست رفته» (چاپ نشده)؛ ۱۳۳۷، داستان «باران» و «جاده» چاپ در مجله اطلاعات جوانان ۱۳۳۸، داستان «سوختفاهم» هفته‌نامه فردوسی ۱۳۳۹، داستان «کوچه» ۱۳۳۹، نمایشنامه «مسافران و مرگ در پاییز» مجله پیام نوین ۱۳۴۴، نمایشنامه «روزنه آبی» ۱۳۴۱، نمایشنامه «مرگ در پاییز» ۱۳۴۹، چاپ مجموعه داستان «جاده» ۱۳۴۹، نمایشنامه «ارثیه ایرانی» ۱۳۴۷، نمایشنامه «افول» ۱۳۴۳ و نمایشنامه «صیادان» اشاره کرد. «لبخند باشکوه آقای گیل»، «در مه بخوان»، «آهسته با گل سرخ»، «منجی در صبح نمناک»، «هاملت با سالاد فصل»، «آمیزقلمدون»، «شب روی سنگ‌فرش خیس»، «آهنگ‌های شکلاتی» و «پایین گذر سقاخونه» از جمله دیگر آثار نمایشی اکبر رادی به‌شمار می‌روند. اکبر رادی، سرانجام در تاریخ پنجم دی‌ماه سال ۱۳۸۶ هجری شمسی در سن شصت و هشت سالگی در تهران درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) به خاک سپرده شد. وی یکی از تأثیرگذارترین افراد در حیطه هنرهای نمایشی بود که شاخه ادبیات نمایشی در ایران تا حد زیادی مرهون این نمایشنامه‌نویس بزرگ است.

* ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر جمهوری اسلامی پاکستان وارد تهران شد (۱۳۵۵ش)